

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خواب‌های خون‌آشام طالبان

در میزان شریعت اسلام

نوشته:

مولوی حبیب‌الله حسام مهاجر

ثور ۱۴۰۱ خورشیدی

اهداء

به تمام مبارزان راه اسلام، دعوتگران بسوی حق و سعادت و مقاومت‌گران راستین که جان و مال خود را در دفاع از جان، مال، آبرو و شرف مردم مظلوم، به هدف اقامه عدل و تحقق حق، رعایت حقوق الهی و بشری و نجات مردم محروم و منکوب به پیشگاه رب العلمین فدا نمودند!

خواب‌های خون‌آشام طالبان در میزان شریعت اسلام

نوشته: مولوی حبیب‌الله حسام مهاجر
نوبت چاپ: اول، ثور ۱۴۰۱ خورشیدی
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حق چاپ برای نویسنده محفوظ است

فهرست

- ۷..... مقدمه
- ۱۳..... مبحث اول: جایگاه خواب در هندسه معرفتی دین و شریعت
- ۱۳..... دلیل اول: خواب از مصادر شرعی نیست
- ۱۴..... دلیل دوم: خواب حجت شرعی نیست
- ۱۶..... مبحث دوم: تفکیک خواب پیامبران از خواب دیگران و اقسام خواب‌ها
- ۱۷..... نوع اول: خواب‌های رحمانی
- ۱۹..... نوع دوم: خواب‌های شیطانی
- ۱۹..... نوع سوم: خواب‌های پوچ
- ۲۱..... مبحث سوم: خواب فقط یک بشارت شخصی است
- ۲۴..... مبحث چهارم: جایگاه انسان به خواب رفته از منظر شریعت
- ۲۴..... دلیل یکم: انسان به خواب رفته مکلف نیست
- ۲۵..... دلیل دوم: شخص به خواب رفته متوفا گفته می‌شود
- ۲۸..... مبحث پنجم: دین اسلام کامل است؛ نیاز به خواب ندارد
- ۳۰..... مبحث ششم: احکام دین اسلام با خواب اشخاص منسوخ نمی‌شود
- مبحث هفتم: اطاعت از قرآن و سنت واجب است، نه از خواب‌های
- ۳۲..... حاکمان نامشروع
- ۳۴..... مبحث هشتم: معیارهای دیدن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خواب
- ۳۶..... مسائل استنباطی از احادیث فوق

- ۳۸... مبحث نهم: خواب های خون آشام، دروغ بستن بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است
- ۳۹..... مبحث دهم: بیان خواب های دروغین حرام است
- ۴۱..... مبحث یازدهم: حضرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وفات کرده است
- ۴۱..... دلیل یکم: پیامبر رحلت کرده است
- ۴۳..... دلیل دوم: حضرت رسول الله دوباره به دنیا بر نمی گردد.
- ۴۶..... مبحث دوازدهم: کسی بدون حساب وارد جنت نمی شود
- مبحث سیزدهم: بررسی مذهب طالبان درباره رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و تصرفات ایشان در دنیا پس از رحلت
- ۴۸.....
- ۵۱..... مبحث چهاردهم: ورود به جنت به فضل خداست
- ۵۴..... مبحث پانزدهم: در دین اسلام، ارباب دینی وجود ندارد!
- ۵۶..... نتیجه گیری
- ۵۸..... راه حل ها
- ۶۰..... خاتمه

الحمد لله رب العلمين وافضل الصلاة واتم التسليم على
سيدنا محمد وآله واصحابه اجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

قال الله تعالى: «تَنْزِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (السجدة: ۲)؛ این کتابی است که از سوی پروردگار جهانیان نازل شده، و شک و تردیدی در آن نیست.

قال رسول الله: «تَرَكْتُكُمْ عَلَى الْبَيْضَاءِ لَيْلَهَا كَنَهَارِهَا لَا يَزِيغُ عَنْهَا بَعْدِي إِلَّا هَالِكٌ»؛ پیامبر ﷺ فرمود: «شما را در روشنائی قرار دادم که شب آن همانند روز آن است، که بعد از من جز هلاک شونده از آن انحراف نمی‌کند».

خوشبختانه احکام اسلام روشن و آشکار است، حلال و حرام، معروفات و مشروعات، منکرات و محرمات واضح دارد، فهم آن برای مردم و رموز و اسرار پیچیده ندارد و اقیانوس‌های تسخیرناپذیر نمی‌باشد. اسلام دین خدا و برای بندگان خدا و احکام آن مطابق

۱. (أحمد، والطبراني عن العرباض) أخرجه أحمد (۴/۱۲۶، رقم ۱۷۱۸۲)، والطبراني (۱۸/۲۴۷، رقم ۶۱۹). قال الشيخ الألباني: صحيح.

ظرفیت، عقلانیت و قدرت انجام و عمل بر مکلفین فرض شده است. این دین شعبده‌بازی، کف‌شناسی، طالع‌بینی، چشم‌بندی، جادوگری و خواب‌گذاری نمی‌باشد و آنچه به نام اسلام در ملک بالای مردم این سرزمین جاری است از یک طرف ظلم و خیانت به اسلام و از سوی دیگر غدر بر مردم مظلوم و سرزمین است و بی‌گمان خدای متعال حساب این جنایات را در روز بازپسین گرفتنی است. مناسبت این نوشته در آشفته بازار سیاست سفاکی و اقتدارطلبی نامشروع که هر روز جان، مال، شرف و کرامت و آزادی را از مردم می‌گیرد و سبب هجرت دو و نیم میلیون هموطن از آغوش خانه گرم شده است و قتل‌های سازمان یافته و هدف‌مند، فکری، مذهبی، مکتبی، قومی، و سمتی و مسلکی را زیر عنوان اسلامی در اساس کار خود داشته‌اند و دروازه‌ی تعلیم و تربیه و تحصیل مسدود و مجتمع‌های اقتصادی و منابع کسبه‌کاران خوشکانده شده است و سرمایه‌داران و متخصصین برای همیشه با ناامیدی تام از مملکت بیرون شدند و مردم امنیت روحی، روانی، مادی و معنوی، جانی و اقتصادی ندارند و از طرف دیگر دبدبه فخرفروشی از طرف گروه خوارج همه گوش‌ها را کر نموده است و حتی خواب‌های پریشان و باورهای خرافاتی خود را بالای مردم فضل‌فروشی می‌نمایند و استبداد دینی که بدترین نوع استبداد نامیده می‌شود از طریق خواب‌گذاری نامشروع و خواب‌های شیطانی بالای جامعه گُلاه می‌گذارند و می‌خواهند فریب دهند و نیرنگ بزنند تا دولت ظلم و استبداد قومی و عصبیت

جاهلی را استمرار بخشند و صدای آزادی خواهی و عدالت طلبی و کرامت انسانی را به دین شعاری و مقدس‌نمایی کاذبانه در گلو خفه نمایند و به نام اسلام و شریعت جلوی مبارزه و حق خواهی یک ملت چهل میلیونی را بگیرند، بنابراین خواستیم و ضرورت دیدیم که در کنار مردم تشنه لب، خون جیگر، اسیر زنجیر ظلم و افکار جاهلی ادای رسالت نماییم و مقاومت اسلامی ملت باعزت را حمایت و مشروعیت بخشیم و پرده از چهره هیولای جهل، وحشت و بربریت برداریم و از سوی دیگر اسلام ربانی، پیامبر رحمت، مساجد، منابر، مدرسه و مذهب را از دام توطئه استخباراتی و برنامه‌های نیابتی و جریان‌های خوراج مشرب و منحرف دین شعار نجات دهیم و راه صراط مستقیم را از راه گمراهی در پرتو شریعت اسلامی تبیین و آشکار سازیم و بدون شک همه رسالت داریم خاصاً علماء ربانی، اهل مدرسه و اهل مسجد و منبر و اهل دعوت، تعلیم و تربیه و استادان و مربیان، متعلمین و دانشجویان در کنار هم در صف مرصوص قرار گیریم برای نجات مملکت، مردم و اسلام ادای رسالت شرعی نماییم و این نوشته قسمت کوچکی از ادای مسئولیت است که به توفیق خداوند متعال انجام دادیم و از آفریدگار جهانیان تمنا داریم که اولاً مورد قبول و رضایش قرار گیرد و ثانیاً صدقه خیر آخرت و منبع هدایت و تفسیر حق در برابر باطل و گمراهی قرار دهد و جلو گمراه‌سازی و تجارت دین و ایمان در بدل دنیا گرفته شود و جریان جهل از غرور کاذب بماند و نسل جوان بدکاری‌های جریان جهل را از آدرس اسلام

و دین رحمت و کرامت و مهربانی به شمار نیارند و الحق و الانصاف که اسلام دین مقدس، دین عزت، کرامتی، آزادی و حریت فرزندان آدم عَلَيْهِ السَّلَام است.

خواب‌های آشفته و پریشان که تاکنون از سران طالبان در مطبوعات نشر شده و تطبیق آنها بجای شریعت بر مردم تحمیل و هزاران انسان را طعمه‌ی اهداف شوم خود نمودند، به شرح ذیل است:

۱. «حقانی صاحب (مولوی جلال‌الدین حقانی) سوال کرد خدایا مجاهدین گرسنه هستند، به دروازه کی بروم؟ از آسمان به حقانی صاحب صدا آمد ریال فلان جا بروید، وقتی که حقانی صاحب رفت، دید که دو گوسفند پوست شده به درخت کشال است، برف هم باریده و هیچ نقش قدم دیده نمی‌شود».

۲. سراج‌الدین حقانی می‌گوید: «از جریان عملیات استشهادی کانتیننتال کابل قاری تماس گرفت که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به دروازه هتل حاضر است عملیات ما را رهبری می‌کند».

۳. حقانی می‌گوید: «یک برادر شب خواب می‌بیند رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بالای یک مسجد نشسته است تکت و اسناد دخول جنت شهدای همین جنگ را امضاء می‌کند».

۴. طالبان زمانی که عید را بدون دیدن ماه اعلان کردند، در برابر سوالات مردم بی‌جواب ماندند، دلیل علمی و قناعت بخش نداشتند، لذا متوسل به خواب شدند. معاون سخنگوی امارت طالبانی مولوی انعام‌الله سمنگانی در صفحه تویتر خود می‌نویسد:

«در پاسخ به پرسش‌های آن عده از کسانی که دلیل و اسباب رؤیت ماه را از کمیته رؤیت ماه ۱۰۱۰ خواسته بودند، بیان می‌داریم که شب گذشته حضرت رسول کریم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خواب امیرالمؤمنین ملا هیبت‌الله آخوندزاده حضور پیدا کرده و عید سعید فطر را به ایشان و تمامی مؤمنین و مجاهدین ۱۰۱۰ تبریک می‌گوید».

اکنون این مسائل را تحلیل می‌کنیم و در میزان شریعت سنجش می‌کنیم تا معلوم شود که این خواب‌ها چی ارزش دارد.

مبحث اول:

جایگاه خواب در هندسه معرفتی دین و شریعت

در این مبحث توضیح داده می‌شود که آیا خواب می‌تواند در احکام شریعت کاستی یا فزونی بیاورد؟ و آیا خواب همانند شریعت امور تکلیفی و احکام واجب‌العمل و اجتناب‌العمل را می‌تواند بر مکلف ثابت سازد یا خیر؟

بدون تردید پاسخ سوالات فوق منفی است، چون خواب شریعت نیست، خواب فقط خواب است و فقط برای خود شخص ارزش دارد. دلایل ما قرار ذیل است؛ در این مبحث حد و حدود و جایگاه خواب در هندسه معرفتی شریعت اسلامی ارزیابی می‌شود؛

دلیل اول: خواب از مصادر شرعی نیست

علماء اصول فقه مصادر تشریح را مشخص و محدود نموده‌اند که عبارتند از:

۱. کتاب الله متعال (قرآن کریم)؛

۲. سنت رسول الله ﷺ؛

۳. اجماع امت؛

۴. قیاس.

مصادر تشریح متفق علیها چهار است که ذکر شد، اما مصادر اختلافی و از توابع مصادر فوق عبارتند از:

۱. استصلاح (مصالح مرسله)؛

۲. عرف؛

۳. سدالذرایع؛

۴. قول صحابی؛

۵. شریعت پیش از ما؛

۶. عمل اهل مدینه؛

۷. و استصحاب حال و ...

خواب نه در مصادر متفق علیها وجود دارد و نه در مصادر مختلف فیها و خواب از جمله مصادر شرعی نیست.

ابن حزم ظاهری فرمود: «شرایع از خواب ها گرفته نمی شود و حکم شرعی به آن مرتب نمی گردد»^۱.

در حالی که طالبان از خواب به عنوان مصدر تشریح و قانون گذاری استفاده و گام به گام از خواب مشروعیت سازی می نمایند و بی گمان این عمل و باور یک بدعت گذاری آشکار در دین مبین اسلام است!.

دلیل دوم: خواب حجت شرعی نیست

عقیده و مذهب طالبان مبتنی بر خواب حکم می کند، به عنوان نمونه از خواب دلیل مشروعیت جنگ، قبول شهادت و بقیه مسائل

را می‌گیرند و به صراحت تبلیغ می‌نمایند که چنین و چنان شد و مخاطبین‌شان همگان اشک می‌ریزند و بدون دلیل واضح و روشن شرعی به میدان جنگ می‌روند. حال نگاه شریعت و علماء ربانی را در قضیه می‌خوانیم:

علمای اُمَّت در شرح حدیث صحیح ذیل دیدگاه‌های خود را بیان نموده‌اند: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِهَا»؛ «هر کس مرا در خواب ببیند، در واقع مرا در بیداری (در قیامت) می‌بیند - یا چنانکه اگر مرا در خواب دیده - او گویا ما را در بیداری دیده است و شیطان تقلید و تمثیل مان را کرده نمی‌تواند».

به عنوان نمونه این پرسش را مطرح کرده‌اند که شخصی پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در خواب دید، او را به چیزی امر و یا نهی کرد، آیا به حیث تبلیغ و شرع پیامبر مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعتبار داده می‌شود - و عمل به مقتضای آن واجب می‌گردد یا خیر؟!.

امام شاطبی در کتاب «الاعتصام» می‌فرماید: «قول سدید و درست از اهل علم در این مسائل این است که دیدن پیغمبر در خواب و امر و نهی آن و یا کلام پیغمبر در امور شرعی حکم شرعی را ثابت نمی‌کند و حجت و دلیل هم نمی‌باشد، مگر اینکه موردی را که در خواب دیده امر ثابت در شریعت اسلامی باشد که آن در اصل از ثوابت شرعی می‌باشد؛ نه از طریق خواب».^۲

۱. رواه البخاري (۶۹۹۴)، رواه مسلم (۲۲۶۶) و اللفظ لمسلم.

۲. الاعتصام ۳۱۸/۲ و ۳۱۹/۲.

مبحث دوم:

تفکیک خواب پیامبران از خواب دیگران و اقسام خواب‌ها

به اساس آیات قرآنی و احادیث پیامبر اکرم ﷺ، خواب پیامبران از خواب اشخاص غیر پیامبرولو در شمار صحابه، اولیاء و اصفیاء باشد، فرق دارد. پیامبران الهی آنچه را در خواب می‌دیدند، وحی الهی بود، مثل خواب‌های نبی کریم و خواب‌های حضرت ابراهیم و حضرت یوسف علیهم الصلاة والسلام.

امام نووی -رحمة الله- تحت «باب خواب‌ها و امور متعلق آن» می‌فرماید:

وقتی که انسان به خواب می‌رود، خداوند متعال روحش را به گونه کامل می‌گیرد، ولیکن از جمله وفات صغرا نامیده می‌شود، چنان‌که خداوند متعال فرمود: «وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى»؛ «او کسی است که (روح) شما را در شب (به هنگام خواب) می‌گیرد؛ و از آنچه در روز کرده‌اید، با خبر است؛ سپس در روز شما را (از خواب) برمی‌انگیزد؛ و (این وضع همچنان ادامه می‌یابد) تا سرآمد معینی فرارسد؛ سپس بازگشت شما به سوی اوست؛ و سپس شما را از آنچه عمل می‌کردید

با خبر می‌سازد»^۱.

این وفات صغرا است، روح می‌رود تا وقتی که خدا بخواهد، و این مسئله را در «الأذکار» به شکل واضح بیان می‌کند:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «...سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبِّي بِكَ وَضَعْتُ جَنِّي وَبِكَ أَرْفَعُهُ إِنْ أَمْسَكَتَ نَفْسِي فَأَغْفِرْ لَهَا وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَأَحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ»^۲؛ «منزه و پاک‌ست تو را ای بار خدا؛ پروردگارا به نام تو پهلویم را بر زمین گذاشتم و به کمک تو آن را بلند کنم. اگر جان مرا گرفتی، آن را بیامرز و اگر جانم را به کالبدم برگرداندی، آن را با آنچه بندگان نیکوکاران را حفاظت می‌نمایی، حفاظت کن».

در این حالت روح سه نوع خواب‌ها را می‌بیند: خواب‌های محبوب و دوست داشتنی، خواب‌های بد و ناخشنود کننده و خواب پریشان (اضغاث احلام) که معنی و مطلب آن معلوم نمی‌باشد که از بازی‌های شیطان، یا سخن نفس و از اسباب دیگر می‌باشد.

نوع اول: خواب‌های رحمانی

این خواب را وقتی که انسان ببیند آن را دوست می‌داشته باشد و این از جانب الله متعال می‌باشد و این نعمت خدا بر انسان است. وقتی که انسان آن خواب را می‌بیند خوشحال و مسرور می‌شود که

۱. ریاض الصالحین و شرح عثیمین.

۲. صحیح مسلم / ۲۷۱۴.

همان بشارت است و عاجل‌ترین بشارت به مؤمنان خواب‌های صالحه است که خودش می‌بیند و یا کس دیگر در مورد او می‌بیند. فلهمذا پیامبر ﷺ می‌فرماید: «از نبوت و پیامبری چیزی نمی‌ماند مگر بشارت دهنده‌ها که همان خواب صالحه است که خود انسان می‌بیند و یا کس دیگر در حقیقت می‌بیند: «الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ مِنَ اللَّهِ، فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مَا يُحِبُّ فَلَا يُحَدِّثْ بِهِ إِلَّا مَنْ يُحِبُّ، وَإِذَا رَأَى مَا يَكْرَهُ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهَا، وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ، وَلْيَتَفَلَّ ثَلَاثًا، وَلَا يُحَدِّثْ بِهَا أَحَدًا؛ فَإِنَّهَا لَنْ تَضُرَّهُ»؛ «خواب‌های خوب از جانب الله متعال است، زمانی که یکی از شما خوابی دید دوستش داشت به هیچ کس نگوید جز به دوستش وقتی که خواب بدی دید از شر آن و شیطان به خداوند متعال پناه بجوید و آب دهان خود را سه بار فوت کند و به هیچ کس بیان نکند و مطمئناً ضرری هم نمی‌رساندش!».

ابوسعید خدری رضی الله عنه می‌گوید: شنیدم که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خواب‌های خوب از جانب الله متعال است، هر گاه یکی از شما خوابی دید که آن را دوست دارد، پس بداند که آن خواب از جانب الله است. لذا خدا را سپاس گوید و آن را برای دیگران تعریف نکند. و اگر امر ناپسندی را در خواب دید پس بداند که از جانب شیطان است. لذا از شر آن به خدا پناه ببرد و آن را برای کسی تعریف نکند. چرا که در این صورت، به او ضرری نخواهد رساند».^۲

۱. بخاری.

۲. بخاری.

نوع دوم: خواب‌های شیطانی

خواب‌های بد و ناخوشایند از طرف شیطان است که برای انسان در خواب تمثیل می‌نماید و ناراحت می‌شود. دوی آن پناه جستن به خداوند متعال از شر شیطان است، دوست نمی‌داشته آن را به کسی بگوید و یا تعبیر شود، چون ممکن است تعبیر بد شود و راه حفاظت از شر و ضرر آن در امان می‌ماند، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «الرُّؤْيَا الصَّادِقَةُ مِنَ اللَّهِ وَالْحُلْمُ مِنَ الشَّيْطَانِ»^۱ «خواب‌های درست و صادقه از جانب الله است و خواب‌های پریشان از شیطان است.»

نوع سوم: خواب‌های پوچ

خواب‌های پوچ و بی‌معنا همان خواب‌هایی‌اند که ممکن از نفس ناشی شده باشد و قلبش به آن چیز متعلق و مشغول بوده باشد و آن را در خواب ببیند و یا اینکه شیطان به آن در خواب بازی می‌کند. مثلاً کسی نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد، فرمود: «ای پیامبر خدا در خواب دیدم سرم قطع شده **رفت و می‌کوبد** و من از پشت آن تلاش می‌کنم»، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «بازی شیطان را به مردم نگوسخن بی‌معنا بوده و شیطان می‌تواند آن را انجام دهد.»

اگر انسانی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را با اوصاف معروف و مشهورش در خواب دید و او را شناخت، در واقع پیامبر خدا را در خواب دیده است. اگر قابل تشخیص نبود و اوصاف معروف و مشهور رسول خدا تطبیق نمی‌شد،

مطمئناً که این خواب اوهام شیطانی است. اگر گفت پیامبر ﷺ در خواب برایم چنین وصیت و حکم کرد و آن حکم مخالف شرع بود، این خواب هم اوهام شیطانی است چون ممکن نیست پیامبر خدا مخالف شرع دستور دهد و در واقع دروغ محض است»^۱.

۱. شرح ریاض الصالحین از شیخ عثیمین.

مبحث سوم:

خواب فقط یک بشارت شخصی است

عقیده و مذهب طالبانی در موضوع خواب طوری است که خواب یکی از اعضای خود را بر تمام جریان خود تبلیغ می‌کنند و به عنوان يك فرمان شرعی از آن استفاده می‌کنند که انحراف و اغواگری آشکار در جامعه است. حال به ارشاد شرع رو می‌آوریم که آیا خواب یک شخص می‌تواند برای دیگران حجت باشد؟

از انس رضی الله عنه روایت است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَحَيَّلُ بِي، وَرُؤْيَا الْمُؤْمِنِ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ التُّبُوءَةِ»؛ «کسی که مراد در خواب دید بدون شک مراد دیده است، زیرا که شیطان مرا تصور و تخیل کرده نمی‌تواند و خواب‌های مؤمنان جزئی از چهل و ششمین اجزاء نبوت و پیامبری است».

امام بخاری از زُهری، سعید بن مسیب و از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: «لَمْ يَبْقَ مِنَ التُّبُوءَةِ إِلَّا الْمُبَشِّرَاتُ، قَالُوا: وَمَا الْمُبَشِّرَاتُ؟ قَالَ: الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ»؛ ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: شنیدم پیامبر خدا فرمود: «از نبوت، چیزی بجز بشارت‌ها باقی نمانده است. پرسیدند: بشارت‌ها

۱. رواه بخاری و مسلم.

۲. بخاری.

چه هستند؟ فرمود: خواب‌های صالح و شایسته و (غیر دروغین)». در شرح الفاظ حدیث باید گفت که عبارت «لَمْ يَبْقَ» به این معناست که بعد از وفات پیامبر خدا ﷺ از نبوت و پیامبری چیزی باقی نمی‌ماند، «الْمُبَشِّرَات»، جمع مبشّرة از تبشیر گرفته شده است و عبارت از وارد کردن سرور، فرح و خوشحالی بردل مژده داده شده در خواب است.

أم کرز الکعبیه گفت شنیدم پیامبر ﷺ می‌گفت: «ذهبت النبوة وبقیت المبشرات»؛ «نبوت رفت و مژده‌دهنده‌ها باقی ماند».

مراد پیامبر ﷺ از این بیان این است که وحی با رحلت پیامبر خدا قطع می‌شود، و هیچ چیز باقی نمی‌ماند جز خواب‌های مژده‌دهنده و صالح.

از روایت فوق به خوبی معلوم می‌شود که پس از نبوت و پیامبری که از جانب خدای متعال به پیامبر مکرم ﷺ عنایت شده بود، وحی قطع شد، دیگر قانونگذاری و تشریح، وحی و نسخ و کمال دین همه به پایان رسیده است، جز خواب‌های بشارت‌دهنده چیزی باقی نمانده است.

همچنان از احادیث صحیح روشن شد که از اجزای نبوت تنها بشارت باقی مانده است، دین کامل شده و قابل تزئید، تنقیص و نسخ نمی‌باشد.

اگر خواب از جمله خواب‌های رحمانی و صالحه باشد، یک

۱. أخرجه أحمد وابن ماجه وصححه بن خزيمة وابن حبان.

بشارت و مژده برای شخصی است که خواب می‌بیند، زیرا شریعت کامل است، نسخ را نمی‌پذیرد و پیامبر خدا نیز رحلت کرده و زنده و حاضر نیست.

مبحث چهارم:

جایگاه انسان به خواب رفته از منظر شریعت

در این بحث واضح می‌گردد که انسان در حالت خواب از نظر شریعت در چه جایگاهی قرار دارد.

دلیل یکم: انسان به خواب رفته مکلف نیست

عقیده و مذهب طالبان مبتنی بر خواب حکم می‌کند، از منظر آنان خواب می‌تواند مانند بیداری در نقل شرع و اقوال دین مصدر تشریح باشد، و از خواب در حکم مشروعیت و انجام عمل امر و نهی استفاده می‌نمایند. در حالی که شریعت اسلامی خلاف آن را بیان می‌کند:

پیامبر مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ ، وَالصَّغِيرِ حَتَّى يَبْلُغَ ، وَالْمَجْنُونِ حَتَّى يَفِيْقَ». ^۱ «سه کس مرفوع الحکم است یعنی بار تکلیف شرعی از دوش آنان برداشته شده است: اول، شخص به خواب رفته تا وقتی که بیدار می‌شود؛ دوم، طفل نابالغ تا به سن بلوغ و تکلیف برسد و سوم، انسان دیوانه تا وقتی که صحتمند شود؛».

۱. أحمد، أبوداود، النسائی، ابن ماجه، ابن جریر، الحاکم و الترمذی عن عائشة. الحاکم عن أبي قتادة ابن جریر عن الحسن رسلاً

امام نووی رحمته الله علیه، در باب خصایص پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «کسی در خواب پیغمبر را دید، در حقیقت پیامبر را دیده است، زیرا که شیطان به صورت رسول الله خود را ساخته نمی‌تواند، و لیکن آنچه در خواب دیده است، متعلق به احکام نمی‌شود و شخص به خواب رفته در حال خواب اهل تکلیف نیست و صاحب خواب اهل حفظ و ضبط هم نیست و خواب آن دلیل و سند شرعی شده نمی‌تواند»^۱.

دلیل دوم: شخص به خواب رفته متوفا گفته می‌شود

از نظر قرآن کریم وقتی که انسان، خواب می‌رود، خداوند متعال روحش را به شکل کامل می‌گیرد که از جمله «وفات صغرا» نامیده می‌شود، چنان‌که خداوند متعال فرمود: «وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى» (الأنعام: ۶۰)؛ «او کسی است که (روح) شما را در شب (به هنگام خواب) می‌گیرد؛ و از آنچه در روز کرده‌اید، با خبر است؛ سپس در روز شما را (از خواب) برمی‌انگیزد؛ و (این وضع همچنان ادامه می‌یابد) تا سرآمد معینی فرا رسد؛ سپس بازگشت شما به سوی اوست؛ و سپس شما را از آنچه عمل می‌کردید با خبر می‌سازد».

ابن کثیر رحمته الله علیه می‌فرماید: «در این آیه کریمه از دو وفات یاد شده است: وفات صغری و حکم آن و سپس وفات کبری در این مقام یاد شده است.»^۲

۱. تهذیب الأسماء واللغات ۴۳/۱.

۲. تفسیر این کثیر.

همچنان از ابن عباس رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت است، فرمود: «مع كل إنسان ملك إذا نام أخذ نفسه، ويُرد إليه. فإن أذن الله في قبض روحه قبضه، وإلا رد إليه، فذلك قوله: «وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ»؛ «با هر انسان فرشته‌ای است وقتی که به خواب می‌رود نفس او را می‌گیرد، و برمی‌گرداند، اگر خداوند اجازه قبض روحش را داد قبض می‌کند و اگر نداد برمی‌گرداند به سویش، و این همان سخن خداست: «وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ»».

امام رازی رحمته الله در تفسیر فتوح الغیب می‌فرماید: «بدانید خداوند متعال کمال علم خود را در آیه قبلی و کمال قدرت خود را در این آیه بیان نموده است و این همان قدرت است، انتقال از مرگ به حیات و از خواب به بیداری و حفظ استقلال در تمام احوال و با بهترین وجه خواب و بیداری را تدبیر می‌کند!»

در آیه دیگر الله متعال فرمود: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فِيمُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأَخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى» (الزمر: ۴۲)؛ «خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند، و ارواحی را که نمرده‌اند نیز به هنگام خواب می‌گیرد؛ سپس ارواح کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده نگه می‌دارد و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) باز می‌گرداند تا سرآمدی معین؛ در این امر نشانه‌های روشنی است برای کسانی که اندیشه می‌کنند!».

یقیناً خدای متعال قبض می‌کند ارواح را از تصرفات در خواب چنان که قبض می‌کند به مرگ.

نتیجه اینکه شکی در این نیست شخص به خواب رفته زنده است، وقتی که زنده باشد بدون شک روحش قبض نشده است، هرگاه چنین باشد اطلاق اینکه خداوند روح شخص را کامل گرفته است، درست نیست، ناگزیر باید تفسیر کرد، این که در حال خواب ارواح حساس از ظاهر در باطن فروکش می‌کند و حواس ظاهری از اعمال خود معطل قرار می‌گیرد و در خواب ظاهر جسد از برخی اعمال معطل می‌گردد و در وقت مرگ تمام بدن از تمام اعمال معطل می‌شود و پس بین خواب و مرگ از این لحاظ و اعتبار مشابهت وجود دارد و اطلاق لفظ فوت و موت بر خواب درست می‌گردد»^۱.

به همین دلیل تکلیف شرعی از شخص به خواب رفته مرفوع است و حواس و قوت‌های تمیزکننده، تفکیک، ضبط، تعقل و درک انسان خوابیده، تعطیل می‌باشد، دیگر مجال و میدان فعالیت و اراده عمل از شخص به خواب رفته گرفته می‌شود، پس از شخص به خواب رفته و خوابش هیچ سند ثقه و حجت گرفته نمی‌شود.

مبحث پنجم:

دین اسلام کامل است؛ نیاز به خواب ندارد

اسلام دین کامل، شامل و جامع است، دین دنیا و آخرت، دین دولت و عبادت، دین فرد و خانواده، دین مجازات و مکافات بوده که خداوند متعال اکمل بودن آن را اعلان فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ (المائدة: ۳)؛ امروز (احکام) دین شما را برایتان کامل کردم و (با عزت بخشیدن به شما و استوار داشتن گام‌هایتان) نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین خداپسند برای شما برگزیدم. این آیه کریمه تصریح می‌کند که کمال اسلام زیادت و نقصان نمی‌پذیرد و خواب نمی‌تواند هیچ چیزی بر دین بیفزاید.

بنابراین، عقیده، مذهب و اعمال طالبان که برآمده از خواب‌های خون‌آشام آنها است، یک نوع دین‌سازی است. مسائل مهمی که در شریعت به گونه‌ی دیگری بیان شده است، ولی طالبان آن را به مذاق و مطابق هوا و منافع گروهی خود با خواب طور دیگری به خورد مردم می‌دهند و می‌خواهند چیزی دیگری را ثابت نمایند و رنگ شمائل دینی بدهند. به عنوان نمونه، حمله‌ی خودکشی در جامعه‌ای که

یک درصد به کفار آسیب می‌رسد و ۹۹ درصد به اسلام و امت
ضرر می‌رساند، مشروعیت این عمل‌شان را از خواب می‌گیرند، در
حالی‌که در شریعت یا ممنوع است و یا خلاف آن ثابت است».

مبحث ششم:

احکام دین اسلام با خواب اشخاص منسوخ نمی‌شود

عقیده و مذهب طالبان خواب را به منزلت شریعت شارع قرار می‌دهند و در مشروعیت و توجیه سایر امور مبارزاتی خود استفاده می‌نمایند، در حالی که شریعت خلاف آن را ثابت می‌نماید.

امام شاطبی می‌گوید: «خبری که از پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خواب داده می‌شود، نیاز به بررسی دارد که آیا موافق شرع است و یا خیر، اگر موافق شرع بود که همان شریعت ثابت است و اگر مخالف بود، از محالات است، زیرا شریعت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بعد از وفاتش نسخ نمی‌شود و شریعتش بعد از وفاتش ثابت و مستقر باقی است، زیرا این فکر به اجماع باطل این است، این نوع خواب حق و صواب هم نیست اگر می‌بود خلاف شرع نمی‌بود»^۱.

شیخ الاسلام ابن تیمیه در مورد احکام خواب می‌فرماید: «خواب‌های محض که دلیل به صحت آن‌ها وجود ندارد، به اتفاق علماء ائمت جایز نیست توسط آن حکمی و امری ثابت شود»^۲.

۱. الاعتصام ۳۲۱/۱ - الموافقات للشاطبي ۱۱۴/۱-۱۱۵.

۲. مجموع الفتاوی ۴۵۷/۲۷.

بنابر فتوای الازهر شریف، آنچه در قرآن و سنت آمده اهتمام و تنفیذ آن لازم است و بی‌گمان اعتصام به قرآن و سنت سبیل هدایت و نجات از گمراهی است و دین اسلام واضح، کامل و تام است و آنچه بعد از به رسول الله ﷺ آمده، هیچ حاجتی به زیاد کردن در آن نیست و راه اصحاب پیامبر خدا و ائمه مجتهدین همین بود و هر چیز جدید که مطرح می‌نمایند، ناگزیر مشروعیت آن را از اصول دین بگیرند»^۱.

مبحث هفتم:

اطاعت از قرآن و سنت واجب است، نه از خواب‌های حاکمان نامشروع

بعد از اینکه دین کامل شد، وحی منقطع گردید، پیامبر ﷺ امتش را به التزام، تسلیمی، انقیاد و پیروی قرآن و سنت دستور داد و یقیناً در پیروی غیر اسلام، سعادت و نجات وجود ندارد، خدای متعال در این زمینه فرمود: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا»؛ (الأحزاب: ۳۶)؛ «هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد، هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است!».

پیامبر مکرم اسلام رحلت کرده و برای امتش قانون جاویدانه (قرآن و سنت) را برای پیروی و سعادت جامعه بشری گذاشت که با وجود دینی کامل و شریعتی فراگیر، هیچ نیازی به خواب‌های پریشان دیده نمی‌شود: «تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ

وَسُنَّةَ نَبِيِّهِ؛^۱ «برای شما دو امر را تا قرار دادم، زمانیکه به آن تو چنگ زنی و احکام آن را عملی کنی، هرگز گمراه نمی‌شوی، همانا کتاب الله متعال و سنت نبی مکرم‌شان است».

بی‌گمان اسلام عبارت از قرآن و سنت رسول الله ﷺ است و سومی ندارد. خواب به حیث شریعت استفاده کردن پیمودن راه گمراهی است.

مبحث هشتم:

معیارهای دیدن پیامبر ﷺ در خواب

در این فراز حقیقت دیدن پیامبر ﷺ در خواب، در روشنی احادیث صحیح مورد بحث قرار می‌گیرد:

در صحیح البخاری از زبان حضرت پیامبر ﷺ آمده است: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَسَيْرَانِي فِي الْيَقْظَةِ، وَلَا يَتَمَثَّلُ الشَّيْطَانُ بِي»؛^۱ «کسی که مرا در خواب دید، پس به زودی مرا در بیداری می‌بیند، و هرگز شیطان مثل و شبیه من شده نمی‌تواند».

امام بخاری و مسلم از حدیث ابی قتاده روایت نمودند که پیامبر خدا فرمود: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ»؛^۲ «کسی مرا در خواب دید، بدون شک حق را دیده است».

امام بخاری رحمته الله از حدیث ابی سعید این جمله‌ها را اضافه نموده است: «فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَكَوَّنُنِي»؛^۳ «بی‌گمان شیطان شکل و شمائل من را تمثیل و ساخته نمی‌تواند».

۱. وأخرجه البخاري (۱۱۰) و مسلم (۲۲۶۶) و الترمذي (۲۲۸۰) وابن ماجه (۳۹۰).

۲. وأخرجه البخاري (۶۹۹۳) عن عبدان و مسلم (۲۲۶۶).

۳. وأخرجه البخاري (۶۹۹۷).

در حدیث ابی قتاده این لفظ آمده است: «فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَرَاءَى بِي»^۱؛ «مطمئناً شیطان آئینه‌نمایی من شده نمی‌تواند». در صحیح مسلم از جابرو از پیامبر خدا ﷺ آمده است: «مَنْ رَأَى فِي النَّوْمِ فَقَدْ رَأَى . فَإِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِلشَّيْطَانِ أَنْ يَتَمَثَّلَ فِي صُورَتِي»^۲؛ «کسی من را در خواب دید به تحقیق دیده مرا، زیرا که شیطان این توانایی را ندارد که خود را به صورت من تمثیل کند». در لفظ دیگر آمده است: «فَإِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِلشَّيْطَانِ أَنْ يَتَشَبَّهُ بِي»؛ «حقیقت این است که شیطان شایسته نیست که خود را به من تشبه نماید».

هرگز در توان شیطان نیست که تشبه، تمثیل، تصویر و تخیل پیامبر خدا ﷺ را نماید و در مخیله شیطان نمی‌گنجد و قدرت تمثیل آن را ندارد و به هیچ صورت نمی‌تواند چنین کاری را انجام دهد. آری، شبکه تروریستی طالبان که مدعی‌اند پیامبر خدا ﷺ را در خواب می‌بینند، اصلاً ندیده‌اند چون اوصاف مشهور و معروف پیامبر خدا را باید بشناسند، تشخیص و تثبیت نمایند و در غیر آن حقیقت ندارد و یک دروغ بیش نیست، خواب صالحه مخالفت شریعت نمی‌باشد و اگر مخالف شریعت بود در واقع خواب‌های پریشان و شیطانی است.

۱. وأخرجه البخاري (٦٩٩٥).

۲. رواه البخاري (٦٩٩٤)، رواه مسلم (٢٢٦٦) واللفظ لمسلم.

مسائل استنباطی از احادیث فوق

مساله اول:

بی‌گمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خواب دیده می‌شود و اگر کسی با تشخیص صفات مشهور و معروف پیغمبر مکرم را در خواب ببیند، بدون شک پیغمبر اکرم را دیده است و اگر به صورت معروف و مشهور ندیده و یا تشخیص داده نتوانسته از جمله خواب‌های پریشان (اضغاث احلام) و نادرست می‌باشد و در حقیقت پیغمبر را در خواب ندیده است، زیرا که شیطان به صورت پیغمبر مکرم خود را تمثیل کرده نمی‌تواند.

مساله دوم:

علماء امت در این موضوع متفق‌اند که: «حکم شرعی از خواب گرفته نمی‌شود، زیرا که شریعت اسلامی پیش از وفات سرور عالم بشریت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کامل و تکمیل شده بود، دیگر دین‌سازی و قانونگذاری با مصدریت خواب اصل شرعی ندارد. خواب‌های پیامبر خدا وحی بود که دینش تکمیل شد و سردار بشریت رحلت نمود و خداوند متعال می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (المائدة: ۳). «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم».

بنابراین خواب نمی‌تواند هیچگونه حکمی را ثابت نماید.

مساله سوم:

هر خواب مخالف شریعت، از جمله خواب های شیطانی بوده و مردود می باشد، نه قابل بیان است و نه قابل شنیدن و تعبیر و نسبتش به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دروغ بستن به خدا و رسول خداست که از نوع کفر تکذیب پنداشته می شود.

مبحث نهم:

خواب‌های خون آشام، دروغ بستن بر پیامبر ﷺ است

پیامبر مکرم ﷺ در باب کسانی که برایش حدیث می‌سازند و بر او روایت دروغ می‌بندند، در حالیکه پیغمبر چنین نگفته و عمل نکرده و دستور نداده است، می‌فرماید: «مَنْ تَعَمَّدَ عَلَيَّ كَذِبًا فَلَيْتَبَوُّا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ!»؛ «هر کس بر من از روی عمد دروغ بسته نماید باید جایگاه خود را در آتش جهنم آماده نماید».

شبکه طالبان بر پیغمبر ﷺ دروغ آشکار می‌بندد که می‌گوید: پیامبر ﷺ در حمله فلان مکان به دروازه ایستاده است، جنگ راهبری می‌کند و آنجانشسته بود، اسناد دحوال جنت را به ما نوشته می‌کرد.

حدیث فوق وعید شدید به کسانی است که در حیات و بعد الوفات بر پیامبر اکرم دروغ می‌بندند و بدون اندکترین احتیاط، عاشقانه و با چشمان اشکبار دروغ‌سازی می‌نمایند و انگیزه دروغین به سربازهای خود تولید می‌کنند و به معرکه گرم جنگ می‌فرستند تا منافع دنیوی را به دست آورند، العیاذ بالله.

مبحث دهم:

بیان خواب‌های دروغین حرام است

امام بخاری در کتاب تعبیر خواب، وعید و تخویف شدید به کسانی که می‌گویند خوابی ندیده‌اند، در حالی که بی‌اساس و دروغ است و در حقیقت خوابی ندیده را به دروغ بیان می‌کنند، حدیثی را بیان نموده است: «مَنْ تَحَلَّمَ بِحُلْمٍ لَمْ يَرَهُ كُفِّفَ أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ، وَلَنْ يَفْعَلَ»؛ «از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر کس خوابی را که ندیده است، بیان کند (در روز قیامت) به او دستور می‌دهند تا دو دانه جورا باهم گره زند در حالی که هرگز نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد».

به این معنی که در یک نوع رنج و عذاب ناتمام خواب‌های ندیده و دروغ باقی می‌ماند، معلوم نیست چه زمانی از عذاب نجات پیدامی‌کند. در مورد مجازات کسانی که خوابی ندیده‌اند و دروغ می‌گویند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «إِنَّ مِنْ أَفْرَى الْفَرَى أَنْ يُرَى عَيْنِيهِ مَا لَمْ تَرَ»^۲ ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یکی از بزرگترین دروغ‌ها این است که چیزی را که انسان در خواب ندیده است،

۱. کتاب التبعیر: صحیح البخاری.

۲. صحیح بخاری.

بگویند خواب دیدم».

محمد بن جریر می‌فرماید: «اگر کسی بگوید: چه مناسبت و خصوصیت در بستن دروغ در خواب دیدن بر پیامبر مکرم که مکلف به گره زدن دودانه جو در روز قیامت است، و بین دروغ بر بستن به او در بیداری وجود دارد؟ آیا دروغ بستن بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خواب مانند دروغ بستن بر او در بیداری است؟ و آیا جرمش سنگین است؟ بلی در واقع کسی خواب دروغ را بیان می‌کند و نسبت آن را به پیامبر مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌نماید در حقیقت به خداوند دروغ بسته است، چون خواب چهل و چهارمین حصه نبوت بوده و همان وحی است که از جانب خداوند صورت می‌گیرد و قرآن کریم او را چنین نفرین کرده است: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (هود: ۱۸)؛ «چه کسی ستمکارتر است از کسانی که بر خدا افترا می‌بندند؟! آنان (روز رستاخیز) بر پروردگارشان عرضه می‌شوند، در حالی که شاهدان - پیامبران و فرشتگان - می‌گویند: «اینها همان‌ها هستند که به پروردگارشان دروغ بستند! ای لعنت خدا بر ظالمان باد!»^۱.

۱. شرح بخاری، بن بطال.

مبحث یازدهم:

حضرت پیامبر ﷺ وفات کرده است

عقیده و مذهب طالبان حکم می‌کند: «پیامبر ﷺ در میدان جنگ و مبارزه دوشادوش ما حضور پیدا می‌کند و جنگ را در محلش رهبری می‌کند و در خواب می‌بینیم به کشته‌هایمان سند شهادت و جنت را توزیع می‌کند». این عقیده به دلایل ذیل مردود است:

دلیل یکم: پیامبر رحلت کرده است.

- شواهدی که بر رحلت پیامبر ﷺ دلالت دارد، قرار ذیل اند:

اول: سنت الله متعال بر مرگ همه انسان‌ها جاری است. مطابق سنت فیصله شده پروردگار، هر صاحب نفس چشنده مرگ است و هیچ استثنایی در این حکم وجود ندارد، پیامبر خدا ﷺ نیز شامل سنت الهی است، فرمود: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُوكُم بِالْبَشْرِ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (الأنبياء: ۳۵)؛ «هر انسانی طعم مرگ را می‌چشد، و شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها آزمایش می‌کنیم؛ و سرانجام بسوی ما بازگردانده می‌شوید.»

سنت الله متعال بر این امر جاری است که هر زنده جانی بمیرد،

سنت الهی حکم می‌کند و با زبان قرآن کریم؛ پیامبر ﷺ و امتش را تعلیم داد که هیچ پیغمبر و حتی رسول الله ﷺ حیات دائمی ندارد و مطابق اجل و مدت عمرش از جهان مثل سایر انسان‌ها رحلت می‌کند، مکلفیت‌هایش پایان می‌یابد، در امور زندگی مردم هیچ دخل و تصرف ندارد و در عالم برزخ متفاوت از زمان حیاتش قرار می‌گیرد، چنان‌که خدای متعال فرمود: «وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ» (الأنبياء: ۳۴)؛ «پیش از تو (نیز) برای هیچ انسانی جاودانگی قرار ندادیم؛ (وانگهی آنها که انتظار مرگ تو را می‌کشند) آیا اگر تو بمیری، آنان جاوید خواهند بود؟!».

خداوند متعال درباره رحلت پیامبر و دشمنان او می‌فرماید: «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ» (الزمر: ۳۰)؛ «تو می‌میری و آنها نیز خواهند مرد!».

دوم: بر مبنای روایات ثقه و مورد اعتماد تفاوتی میان سایر مؤمنان و پیامبران و شهداء ثابت شده است: «إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ»؛ «بی‌گمان خداوند متعال خوردن و ضایع ساختن اجساد پیامبران را بر زمین حرام گردانیده است».

بنابراین، جسد پیامبران و رازمین ضایع نمی‌کند و نمی‌خورد.

- مسائل استنباط شده از آیات و احادیث فوق:

۱. (ابن ماجه و البيهقي في شعب الإيمان عن أبي الدرداء) أخرجه ابن ماجه (۵۲۴/۱)، رقم (۱۶۳۷)، قال البوصيري (۲ / ۵۹): هذا إسناد رجاله ثقات إلا أنه منقطع. وقال المنذرى (۲ / ۳۲۸): رواه ابن ماجه بإسناد جيد. وقال المناوي (۲ / ۸۷): قال الدميري: رجاله ثقات. اما به دليل منقطع بودن حکم حدیث شیخ البانی قمست (فَتَبَيُّهُ اللَّهُ حَيُّ يُرْزَقُ) را ضعیف خوانده است در متن نیاوردیم.

اول: از سه آیه فوق واضح و روشن شد که پیامبر مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مثل سایر انسان‌ها و فرزندان آدم از جهان رحلت کرده و مکلفیت شرعی و تشریحی‌اش پایان یافته و هیچ تصرف در امور مردم ندارد و مردم به اساس دین الهی زندگی خود را رهبری و مدیریت می‌کنند.

بنابراین، کسانی که از طریق خواب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مأموریت و مکلف می‌دهند، در مخالفت آشکار با قرآن و سنت قرار دارند و جامعه را به اغوا و گمراهی می‌کشند که جفای عظیمی به دین الله متعال انجام می‌دهد.

فقط یک فرقه‌ای به نام بریلوی در باب پیامبران و اولیاء در خط افراط قرار دارد و عقیده بر آن دارد که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بشر نیست، بلکه نور است و هرجا حاضر و ناظر شده می‌تواند و این گروه را عقیده بر آن است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نایب کامل خدا است و از علم غیب و تصرف در نظام تکوین برخوردار است.

مکتب دیوبندی این عقیده را رد می‌کند، پس معلوم می‌شود که طالبان به دیوبندیت باورمند نیستند، بلکه پیروان بریلویت هستند.

دلیل دوم: حضرت رسول الله دوباره به دنیا بر نمی‌گردد.

سنت الله برای جاری است که انسانی از دنیا رفت و به عالم برزخ رحلت کرد، به این دنیا بازگشت نمی‌کند و حیات و مرگ انسان محدود شده به دو زندگی، دو مرگ و بیشتر از دوبار را قرآن کریم به رسمیت نمی‌شناسد.

از منظر قرآن کریم فقط دوبار انسان زنده می‌شود و دوبار میرانده می‌شود، مرحله پیدایش و تولد انسان، زنده شدن اولی اوست، زنده شدن در آخرت، زنده شدن دومی اوست. مردن اول وجود انسان قبل از پیدایش معدوم است و مردن ثانی به اجل معین و در میعاد مشخص وفات می‌کند، فرمود: «قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ» (غافر: ۱۱)؛ «آنها می‌گویند: پروردگارا! ما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی؛ اکنون به گناهان خود معترفیم؛ آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟».

همچنان در این آیه کریم دو حیات و دو مرگ عنوان شده است و سومی وجود ندارد: «كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (البقرة: ۲۸)؛ «چگونه به خداوند کافر می‌شوید؟! در حالی که شما مردگان (و اجسام بی‌روحي) بودید، و او شما را زنده کرد؛ سپس شما را می‌میراند؛ و بار دیگر شما را زنده می‌کند؛ سپس به سوی او بازگردانده می‌شوید. (بنابراین، نه حیات و زندگی شما از شماست، و نه مرگتان؛ آنچه دارید از خداست)».

اکنون باید به عقیده و مذهب طالبان نگاه کنیم. عقیده و مذهب گروه طالبان حکم می‌کند: پیامبر مکرم اسلام را در توزیع تکت جنت برای جنگجویان قبل از کشته شدن و حضور رهبری رسول خدا ﷺ به دروازه «هتل کانتیننتال» کابل برای رهبری جنگ است.

انسان عاقل هیچ‌گاه حضور پیامبر متوفی ﷺ در جنگی که اهل کلمه اسلام و امتش کشته می‌شود، را نمی‌پذیرد و این خلاف آیات

قرآنی است که پیامبر ﷺ به دنیا بر نمی‌گردد، چه رسد به اینکه در یک جنگ نامشروع مشارکت کند.

- مسائل استنباط شده از آیات فوق:

اول: تناسخ ارواح از عقاید الحادی است، فرقه دروژ، تیمانیه، نصیرییه و اسماعیلییه به همین باوراند و در واقع منکر صفات کمال خداوند متعال هستند، یعنی روح انسان وقت فوت انتقال می‌شود به انسان و حیوان دیگر و در واقع نه عذاب می‌بیند و نه ثواب و در حقیقت منکر زنده شدن بعد از مرگ و حساب و میزان و جنت و دوزخ‌اند. مذاهب چهارگانه اهل سنت می‌فرمایند: «اینها زندیق، ملحد و منافق‌اند، توبه ایشان قبول نیست، نکاح و ذبح آنان حلال نمی‌باشد»^۱.

مبحث دوازدهم:

کسی بدون حساب وارد جنت نمی‌شود

یکی از سنت‌های ثابت الهی در نظام آخرت و میدان حشر که پادشاه آن روز ذات واحد قهار می‌باشد این است که بدون ورود به پل صراط و بدون تصفیه حساب هیچ فرد حق داخل شدن به جنت را ندارد و اصلاً ممکن نمی‌باشد، می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا» (مریم: ۷۱)؛ «و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می‌شوید؛ این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت.»

در ادامه می‌فرماید: «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» (مریم: ۷۲)؛ «سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می‌بخشیم؛ و ظالمان را - در حالی که (از ضعف و ذلت) به زانو در آمده‌اند - در آن رها می‌سازیم.»

ابن جریر طبری، ابن‌کثیر و روح‌المعانی به اتفاق می‌گویند: «ورود تمام بنی آدم بدون استثناء بر پل صراط که بر سر جهنم قرار دارد حتمی است و سپس مطابق آنچه در اثر آمده به اشکال و حالات مختلف اهل جنت عبور و اهل جهنم سقوط می‌کنند»^۱.

۱. تفسیر: ابن جریر طبری، ابن‌کثیر و روح‌المعانی.

شیخ سعدی در «تیسیر الکریم الرحمن» می‌فرماید: «این خطاب عام و برای سایر انسان‌ها است، نیک و بد، مؤمن و کافر همه از روی قطع تحت فیصله الهی قرار دارند و همه انسان‌ها از پل صراط که بر سر جهنم قرار دارد؛ وارد کرده می‌شوند و هیچ استثنا ندارد و اما مطابق حکمت و نظام خداوند متعال مؤمنان به احوال متفاوت به جنت و کافران به جهنم می‌روند»^۱.

ابوبکر الجزایری در «ایسرا التفاسیر» می‌گوید: «وإن منکم إلا واردها کان علی ربک حتماً مقتضیا»، خداوند متعال از حکم و فیصله‌ای که کرده است خبر می‌دهد و آن اینکه هیچ کس از بنی آدم بدون ورود به جهنم وارد جنت ساخته نمی‌شوند، صورت آن چنین است: پل صراط بر سر جهنم دوامده می‌شوند و مردم بر سر آن روان می‌شوند و مؤمنان به جهنم نمی‌افتند، و کافران در جهنم سقوط می‌کنند. «ثُمَّ نُنَجِّی الَّذِینَ اتَّقَوْا»؛ کسانی که به پروردگارشان شریک قرار نمی‌دهند و با ترک واجب و ارتکاب حرام عصیان نمی‌کنند، نجات می‌دهیم. «ونذر الظالمین»؛ ظالمان را به خاطر تکبر، کفر و ارتکاب گناهان کبیره در جهنم به زانو پرتاب «فیها جثیاً» می‌کنیم!^۲.

۱. تفسیر شیخ سعدی: (تیسیر الکریم الرحمن).

۲. ایسرا التفاسیر ابوبکر الجزایری.

مبحث سیزدهم:

بررسی مذهب طالبان درباره رحلت پیامبر ﷺ و تصرفات ایشان در دنیا پس از رحلت

اکنون عقیده و مذهب طالبان بررسی می‌شود؛ عقیده و مذهب مبتنی بر خواب طالبان و امثال‌شان حکم می‌کند: «به سربازان خود تکت شهادت و جنت توزیع می‌نمایند و آنها عاشقانه برای رسیدن به جنت به مهر و امضای پیامبر ﷺ بی‌درنگ می‌شتابند و خود را بدون حساب و کتاب رهسپار جنت می‌سازند!». این مسئله در میزان شریعت بررسی شود که شریعت خدا چه پاسخ می‌دهد:

- مسائل استنباط شده از آیات فوق

مسئله اول: از دو آیه کریمه بالا روشن شد، همه فرزندان آدم در آخرت مورد حساب قرار می‌گیرند و هیچ فرد مؤمن و کافر و نیک و بد اگرچه از جمله انبیاء و رسولان باشند، یا اولیاء و اصفیاء، کافران و ظالمان بدون تصفیه حساب از پل صراط راهی جنت نمی‌شوند و این فیصله و حکم قطعی خدای ذوالجلال است که مورد تنفیذ قرار می‌گیرد.

مسئله دوم: کسی که صاحب مقام محمود است، بدون حساب

داخل جنت می‌شود.

به دلیل اینکه پیامبر مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که صاحب مقام کریم و محمود است و نیز بندگان مورد تکریم خدا که بدون حساب داخل جنت می‌شوند و بدون شک روایات متعدد در باب وارد شدن به بهشت بدون حساب و جزا وجود دارد و بشارت یافتگان به جنت که ۱۰ تن از اصحاب جلیل‌القدر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را شامل است و در روایت دیگر ۷۰ هزار تن از امت پیامبر مژده دخول جنت را دریافت نموده‌اند، آن روایت به حدیث عکاشه مشهور است و در ذیل می‌خوانیم:

در حدیث پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وارد است: «يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ أُمَّتِي زُمْرَةٌ هُمْ سَبْعُونَ أَلْفًا يُضِيءُ وُجُوهُهُمْ إِضَاءَةُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ، قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: فَقَامَ عُكَّاشَةُ بْنُ مَحْصَنِ الْأَسَدِيِّ يَرْفَعُ نَمْرَةً عَلَيْهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، اذْعُ اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَنِي مِنْهُمْ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ مِنْهُمْ، ثُمَّ قَامَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، اذْعُ اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَنِي مِنْهُمْ، فَقَالَ: سَبَقَكَ بِهَا عُكَّاشَةُ!»؛ «دسته یا گروهی از امتم به بهشت وارد می‌شود که هفتاد هزار هستند، صورت‌هایشان همانند رخسار مهتاب نورافشانی می‌کند. عکاشه بن محسن اسدی که لباس رنگارنگی داشت، بلند شده گفت: یا رسول الله دعا کن که خداوند مرا از جمله آنها قرار دهد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: الهی او را از زمره آنها قرار بده. سپس مردی از انصار بلند شده گفت: ای رسول خدا دعا کن که خداوند مرا از زمره آنها بگرداند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

۱. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي الصَّحِيحِ عَنْ أَبِي الْيَمَانِ (٦١٧٦).

عکاشه از توپیشی گرفت».

بدون شک پیامبر مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سردار و امام متقیان مقدم بر همه از جمله مشار الیه حدیث وارد شوندگان به جنت است، در حدیث صحیح مسلم آمده است از انس بن مالک که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يَفْرَعُ بَابَ الْجَنَّةِ»، «من در روز قیامت بیشترین پیروان نسبت به سایر پیامبران دارم، و من نخستین کسی هستم که دروازه بهشت را دق الباب می‌کند».

در حدیث دیگر آمده است پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «آتِي بَابَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَسْتَفْتِحُ، فَيَقُولُ الْخَازِنُ: مَنْ أَنْتَ؟ فَأَقُولُ: مُحَمَّدٌ، فَيَقُولُ: بِكَ أَمْرٌ لَا أَفْتَحُ لِأَحَدٍ قَبْلَكَ»، «در روز قیامت به دروازه بهشت می‌آیم و می‌خواهم که دروازه گشوده شود، خازن می‌گوید: کیستی؟ می‌گویم: محمد هستم، می‌گوید: به (باز کردن دروازه) برای تو مأمور شده‌ام، قبل از توبه هیچ کسی باز نکردم».

در حالی که شبکه تروریستی طالبان سند ورود جنت را در دنیا توزیع می‌نمایند، بر پیامبر مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دروغ می‌بندند، خلاف شریعت و خلاف واقعیت را به رسول خدای -عز و جل- نسبت می‌دهند، نسل بی‌خبر از اسلام را به خاطر منافع گروهی قربانی می‌نمایند، باید دانست که در امور خلاف شریعت مصالح مردم مضمّن نیست.

مبحث چهاردهم:

ورود به جنت به فضل خداست

پیامبر مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: هیچ کس از روی عملش داخل جنت نمی‌شود، بلکه از باب رحمت و فضل خدای متعال به جنت داخل می‌شوند، حتی پیامبراکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ متمنی و رجامند فضل و رحمت الهی می‌باشد.

در حالی‌که طالبان جنت را در بدل عمل خود تقسیم و تکت دخول به جنت را توزیع می‌نمایند و مجموعه‌های زیاد را به زعم خود رهسپار جنت نمودند، در این مورد پیامبر مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَدْخُلُ أَحَدُكُمْ الْجَنَّةَ بِعَمَلِهِ قَالُوا وَلَا أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَلَا أَنَا إِلَّا أَنْ يَتَّعَمَدَنِي اللَّهُ مِنْهُ بِرَحْمَةٍ وَفَضْلٍ وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ»^۱ به روایت ابی هریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ صحابی گران‌مایه، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هیچ یک از شما به سبب عمل خود داخل جنت نمی‌شود، فرمودند: حتی شما یا رسول خدا، فرمود: من هم داخل جنت نمی‌شوم، مگر اینکه خداوند متعال به رحمت و فضل خود بپوشاندم و دست خود را بر سرش نهاد».

از این حدیث واضح و روشن شد، توفیق عمل صالح، وارد شدن به جنت و تقسیم منازل و درجات جنت همه موقوف به فضل و رحمت خداوند یکتا است و حتی پیامبر حبیب خدا که مغفور و مرحوم الهی است، بدون فضل و رحمت الهی داخل جنت نمی‌شود.

اما طالبان پیروان خود را قبل از حساب آخرت و بدون فضل خدا و رحمت الهی مستقیم به جنت می‌فرستند که در مخالفت صریح حدیث و سنت الهی قرار دارد و داوری بر علیه خداوند - عز و جل - و پیامبر مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

اگر سوال مطرح شود که آیات کریمه بیانگر دخول جنت منوط به اعمال انسان است چه گفتنی دارید؟ «وَنُودُوا أَن تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (الأعراف: ۴۳)؛ «ندا داده می‌شود که این بهشت شما است (که در جهان به شما وعده داده شده بود، و هم اینک) آن را به خاطر اعمالی (بایسته و کردارهای شایسته‌ای) که انجام داده‌اید به ارث می‌برید».

پاسخ ما این است که سمرقندی مفسر معروف در تفسیر خود اثری را آورده و چنین تفسیر کرده است: «جوزوا الصراط بعقوي وأدخلوا الجنة برحمتي وأفتسموها بأعمالكم»؛ «از صراط به بخشش من گذر نمایید، و به وسیله رحمت من جنت داخل شوید و منازل و درجات آن را به اعمال‌تان تقسیم نمایید»، این تفسیر سلف صالح امت است.

مرقات شرح مشکات می‌فرماید: «عمل سبب صوری و رحمت

سبب حقیقی به داخل شدن جنت است، فلهدا حدیث با آیه قرآن معارض نمی‌باشد»^۱.

۱. مرقات شرح مشکات، باب قیام شهر رمضان، ج ۴.

مبحث پانزدهم:

در دین اسلام، ارباب دینی وجود ندارد!

اسلام بر اربابی دینی خط پایان بخشید و بی‌گمان اطاعت از شیطان و دوستان‌شان را در حلال قرار دادن آنچه الله حرام کرده، از جمله شرک قرار داده و نیز هر کسی از علما و حاکمان در تحریم حلال الهی یا حلال دانستن حرام الهی اطاعت کند، آن‌ها را اربابانی غیر خدا معرفی نموده و الله متعال می‌فرماید:

«اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا إِلَٰهَا وَاحِدًا لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۱)؛ «همین‌ها، علما و راهبان خود و مسیح پسر مریم را بجای الله اربابان خود گرفتند، با آن که دستور داشتند جز الله را که معبود برحق جزا و نیست عبادت نکنند. او منزّه است از آنچه شریکش می‌سازند».

در روایت آمده که پیامبر ﷺ این آیه را بر عدی بن حاتم طائی رضی الله عنه تلاوت کرد. عدی بن حاتم رضی الله عنه گفت: ای رسول الله! ما آن‌ها را عبادت نمی‌کردیم!؟ فرمود: «أليس يُحِلُّونَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَتُحِلُّونَهُ، وَيُحَرِّمُونَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ فَتُحَرِّمُونَهُ؟! قال: بلى، قال النبي: فَيَتَلَكَّ عِبَادَتُهُمْ»؛ «مگر اینطور نبود که چیزهایی را که الله حرام کرده بود، حلال قرار می‌دادند و شما نیز حلال می‌دانستید و حلال‌های الهی را حرام قرار می‌دادند و شما

نیز حرام می‌دانستید؟ گفت: آری! پیامبر ﷺ فرمود: «همین عبادت کردن آن‌ها است!».

بنابراین اطاعت از آنان (علما و راهبان و...) در تحلیل و تحریم، در برابر حکم الله، عبادت آن‌ها به شمار می‌آید که شرک اکبر و منافی با توحید است.

باید دانست که بخشی از مقتضیات این کلمه این است که تبیین حلال و حرام فقط حق الله تعالی است. هر کسی که در تحلیل و تحریم از علما و عبادت‌گذاران اطاعت کند که با آگاهی خلاف شریعت الهی دستور می‌دهند، در حالی که آنان در علم و دین از همه آگاه‌تر هستند (و می‌دانند که چه کار می‌کنند پس حکم الهی دربارهٔ آنان مشخص است)، اما گاهی اشتباه آنان پس از تلاش و کوشش در جهت یافتن حق و نرسیدن به آن است، در این صورت به شخص پاداش داده می‌شود اما کسی که از دستورات و قوانین ساخته و پرداخته کفار و ملحدین اطاعت می‌کند و قوانین آن‌ها را که با اسلام ستیز و مخالف است، به کشورهای اسلامی می‌آورد و براساس آن بین مسلمان حکومت می‌کند، حکم چنین فردی چه می‌تواند باشد! (جز کفر اکبر؟!)- لاحول ولا قوة الا بالله!؟-

این‌ها کفار را اربابانی در برابر الله پذیرفته‌اند، تا احکام را برای شان وضع کنند و حرام را برایشان مباح قرار می‌دهند و آنان بین مردم مطابق دستورشان حکم می‌کنند»^۱.

۱. سایت جامع فتاوی‌ای اهل سنت و جماعت.

نتیجه‌گیری

- از مجموع مباحث فوق پیام‌های ذیل به دست می‌آید:
۱. استفاده از خواب به شکل رایج و خصوصاً به شیوه‌های که شبکه خوارج طالبان خواب را مورد سوء استفاده قرار می‌دهند، خلاف شریعت و خلاف مصالح دین اسلام و امت است.
 ۲. دین‌سازی و افتراء به خدای متعال و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به وسیله خواب بدترین ظلم و تعدی به حدود الهی می‌باشد.
 ۳. دین اسلام قبل از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کامل شد، دیگر اکمال، نسخ، تزئید و تنقیص را نمی‌پذیرد. خواب هیچ نقشی در تشریح نمی‌تواند داشته باشد.
 ۴. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از جهان فانی رحلت نموده است و برای امتش کتاب الله و سنت خود را جهت تمسک و پیروی گذاشته است. مسلمانان نیازمند خواب حاکمان نامشروع نیستند.
 ۵. خواب از مصادر تشریح نیست و هر انسانی در حالت خواب، مکلف شمرده نمی‌شود، قدرت ضبط و حفظ ندارد و متوفایی بیش نیست، روایت خواب و تمسک به آن جهل و گمراهی است.
 ۶. خواب را به عنوان هدایت الهی قرار دادن موجب ترک شریعت و تعطیل احکام کتاب الله و سنت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌شود.

۷. انسان‌ها مکلف به پیروی شریعت الله متعال هستند نه به پیروی خواب‌های اشخاص، اگرچه در مقام اولیاء الله باشند، چه رسد به خواب تروریستان.

۸. تکیه به خواب، یکی از نشانه‌های مهجوریت قرآن و سنت است.

۹. متأسفانه تاریخ شهادت می‌دهد بخاطر اعمال قدرت سیاسی،

کسب شهرت، اقناع شهوت و عصبیت قومی و عصبیت فرقه‌ای و مذهبی از تمام مقدسات سوء استفاده صورت گرفته است، از همه شعائر اسلامی بخصوص از نام خدای متعال، مکۀ مکرمه، پیامبر اسلام ﷺ، قرآن، مذهب، مسجد، منبر، ائمه دین، شیخ، مرشد، مفتی و علماء استفاده نامشروع صورت گرفته است.

۱۰. بدبختانه تاریخ شهادت می‌دهد به نام خلافت، امارت،

جمهوریت، دولت اسلامی، جهاد، مجاهد، متخصص، شفافیت،

استقلال، دعوت، کارگر، حقوق بشر، حقوق زن، آزادی مطبوعات و آزادی بیان استفاده سوء صورت گرفته است.

راه حل ها

احاد جامعه باید بخاطر نجات شان به مسائل ذیل متعهد، استوار، فعال و حساس باقی بماند:

- برگشت به قرآن و سنت و آموزهای اسلام، رشد فضائل و مکارم اخلاق و تزکیه از رذائل.

- ایجاد اخوت و برادری ایمانی، انسانی به معنی اصل کلمه و بستن دروازه هرگونه نفاق.

- ایجاد روحیه تعاون، همکاری، هم‌دیگرپذیری و تقویت حس هموطنی و دشمن ستیزی.

- ایجاد قوت مادی و معنوی، اقتصادی و علمی و خودکفایی در مملکت برای آحاد جامعه.

- توزیع قدرت سیاسی و منابع مالی و ثروت ملی متوازن به همه شهروندان.

- لزوم ایجاد استقلال ملی، استقلال سیاسی، استقلال مالی و فرهنگی در کشور.

- آزادی (حفظ کرامت انسانی)، تعامل همشهری و شهروند محور تمام حوزه‌های کاری.

- تحقق عدالت که همانا رعایت حقوق آفریدگار جهانیان و رعایت حقوق مردم است.

- پذیرفتن مدینیت، علم و تکنالوژی به معیارها و مصالح مردم از هر دولت و مردم که باشد.

- مبارزه در برابر نفاق، بربریت، برتری طلبی، خرافات، فساد و انواع شرارت و انواع ظلم و بی عدالتی بقا و سلامت یک جامعه را می تواند تضمین کند و به ثبات سیاسی و ملی برساند.

خاتمه

همیشه از شر خواب های شیطانی و کاذب به خداوند متعال پناه ببریم زیرا که جنایت های نابخشودنی و ننگ بر جبین انسانیت و دین شعاران باقی مانده است، بدون تردید جوامع اسلامی در درازنای تاریخ از ستم و استبداد خواب در امان نبوده است و چه چهره های استبدادی را برگرده های مردم مسلمان و مظلوم تحمیل و به واسطه خواب گذرانی دروغ مشروعیت بخشیدند و چه ظالمانی را چهره معصوم و اولیاء و دوستان خدا خواندند و حقایق تاریخی را به روایت های خواب ها جعل و تغییر دادند.

در تاریخ می خوانیم که اثر خواب خرقة مبارک از بدخشان به کارته سخی کابل و از کابل به قندهار به روایت خواب انتقال صورت می گیرد، استقلال کشور در زمان امان الله به خواب ملکه ثریا گره خورده بود و به روایت خواب استقلال اعلان می شود و زمان استقلال مجهول و نامعلوم باقی می ماند. احمدشاه ابدالی جواز سلطنت را از پیرمردی به دست می آورد که خوشه گندم را سرش می کند و او پادشاه کشور می گردد. جنگ میان فرزندان تیمورشاه از طریق خانقاه در قندهار که توسط انگلیس ها رهبری می شد راه اندازی شد و تا یک

تباهی کامل به پیش رفتند و هزاران داستان از مظالم و جنایات خواب در وطن داریم و از روایت خواب است که فلان پیر در زیارت فلان بزرگ خواب دید که ظاهرشاه به اسب سفید سوار است و علی رضی الله عنه پنج پنجه شیرخدا را در پشتش زد و کمرش را بسته کرد و این روایت دولت ظاهرشاهی را به چهل سال امتداد می دهد. همین روایت در زیارت مزار به داکترنجیب الله روایت می شود؛ صدها داستان در تاریخ داریم که خواب های دروغین و جهل مقدس به مردم فاجعه آفریده است و امروز عصر آگاهی، دانایی، اطلاعات، فهم و درک از مسائل است، باید بیدار شویم و اگر بیدار نشویم سیاست پیشه های ظالم و استفاده جو مثل گوسفندان، ما را طعمه ی گرگ مرادشان می سازند.

حبیب الله حسام مهاجر

۱۸ ثور ۱۴۰۱ خورشیدی